

یوسته بگذشته

مطالعه و اصول آن

ترجمه و تکرارش عبد الجبار خان حضوری است



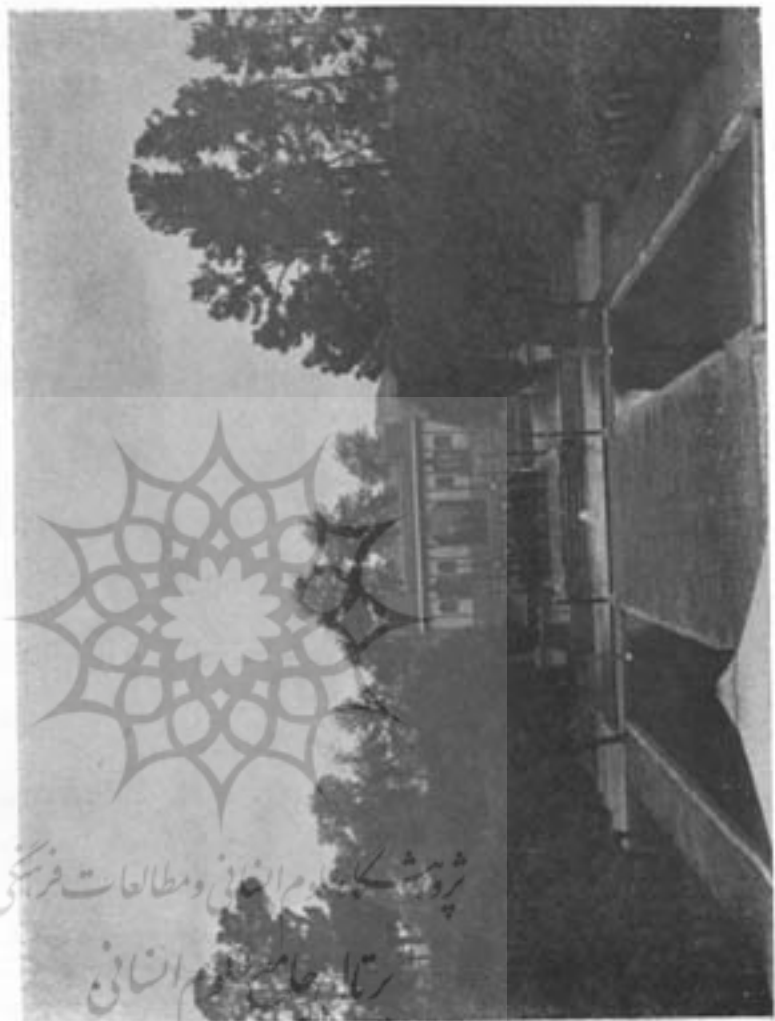
در سطور اخیر بشماره گذشته زیر عنوان (مطالعه و اصول آن) گفته شده که بقرار گفتار افلاطون، باید جوانان رشید و ماغهای خود را با اساسات ریاضی مشغول سازند. اما بار جود اثرات تربیوی ریاضی، لازم نیست که اشخاص فکور و بیدار همیشه به نتایج آن خود را مقید بسازند. چه سائله بر این ریاضی بر اساسات نظری گذاشته شده و بعضی اوقات نسبت به وقوع برخی از حوادث بزرگ حیات قابل اعتماد شده نمیتواند. چه این حادثات طوری پیچیده و مبهم میباشند که تکیه بر ریاضی کرده حل نمیشود.

نظر به این مشکلات ریاضیون بزرگ نمیتوانند که در حل و سنجش صحیح عوامل مهم بدستی و ارسی کنند، بناء علیه گفته میتوانیم که مسائل مهمه سیاسی، اخلاقی، اجتماعی، از روی ریاضی بطور قطعی نتیجه درست نمیدهد بل اسباب مغالطه میگردد. در اینجا چیزی که قابل غور و دقت دیده میشود عبارت از سنجش مطلق پیچیده مسائل فوق میباشد. چون مخاطرات بزرگبکه در بین آن ها موجود است. پس لازم می آید که بیک صورت نیکو و سهل آن ها را از دماغها بابد کشید. زیرا علت ناکامی بکنفرسی سیاسی در حل مسائل سیاسی، یا از

خوب ندانستن معاملات سیاسی خواهد بود و بابه لحاظ مختلف اثر جذبات ذاتی و آرزوهای شخصی او میباشد. بنابراین او را سنجش صحیح معامله بازمیدارد. چون از مرحله ریاضی بگذریم در تقویت جوانان رشید و پیشرفت آنها مطالعه منطقی در روحیات سودمندتر بنظر میخورد. از بنبر و لازم است که جوانان پیش از همه بایدهادات فکر و استدلال را در مسائل مهم بطور طبیعی و فطری حاصل نمایند. چه مسلم است که جهت تحصیل هر شیئی پیش از همه فهم تمهید و پس از آن صورت تحصیل آن ضرور است چنانچه قبل از راه رفتن اولاً وجود پای ها و پس از آن صورت استعمال آنها لازم است. چه همیشه می بینیم که انسان حرکت و تمهید کار را در آن طفلی یاد گرفته آهسته آهسته آن را تحت اداره و کنترل خود گرفته میتواند. اگر همین کنترل را ادامه دهد وقتی خواهد رسید که بکنفر تعلیم یافته که کم تجربه مقابله رفتار او را کرده نخواهد توانست؟

عین همین وضعیت در تریب قوای معنوی نیز میشود. پس بیشتر از همه باید قوای فکری در دماغ وجود داشته باشد بعد از آن مواد قابل غور که در محیط خارجی و حیات می باشد هر گاه مواد موجود باشد انسان میتواند اول طرز بدین مواد قابل غور را دریابد سپس راه تفکر آن را جستجو نموده در اطراف آن دقت نماید:

جهت تقویت این سلسله عوامل فکری، علم منطقی تا بکدرجه مفید ثابت شده اما اگر خواسته باشیم که از بن علم بهره کافی برداریم و صاحب یک فکر سلیم بگردیم نمیتوانیم زیرا علم منطقی مانند علم ریاضی یک استعداد حقیقی و نتایج فنانع بخش در امور مهم و پیچیده بصورت نام ندارد. بلکه بطور عمومی اشکال عمومی را تحت اساسات منظم که عامل احساسات کلی میباشد می آورد تا از آن محض صورت پیش بردن سلسله محاکمه را بخوبی یاد گرفته می توانیم. البته اگر به همراه علم منطقی استعمال موادش را به مواقع لازمه بدانیم و از نتایج آن مستفید شویم میتوان گفت که یک شخص ابتدائی را بدرجه بلندتر از آن میرسانیم را اگر به محض دانستن علم مذکور



پوشش کجاست مغان و مطالعات فرهنگی
رئیس هیئت مدیره انجمن

عمارت قشنگ عصر دهم عصری در باغ بار - متعلق شماره ۱۰۰ سال ه - آئینه



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

قانع شده از استعمال اساسات آن صرف نظر کنیم نتیجه قابل قدر نمیدهد. این مسئله به مانند آن می ماند که انسان تمام کتابهای ادبیات يك لسان را به مقصد زبان دانی خوب بخواند و صرف و نحو و علم بلاغتش را نیز با امثله حیاتی و تجربی مطالعه کند، اما اگر از استعمال الفاظ و تکلم جملات و تعمق نکات آن صرف نظر نماید طبیعی است که اوقات خود را ضائع کرده مقصد آن که زبان دانی است از دستش خواهد رفت.

اگر خوب فکر کنیم معلوم میشود که دانستن علم منطق به مثابه جسم و استعمال مواد و تعمق در اطراف اساساتش مانند روح است که اگر جزء ثانی بعمل نیاید گویا از حقیقت و اصل دور افتاده یعنی پنجاه راج موضوع دور خورده خود را بازی خواهد داد. این تعمق در اطراف اساسات منطق از اثر زندگی های پر جوش و همدردی های وسیع، شاهدات دقیق و تجارب بلند بدست می آید، حینیکه این مواد اساسی حاصل شد آنگاه علم منطق با تمام شرائط صحیح آن عامل و موثر گردیده نتایج خوبی را ارائه خواهد نمود.

طوری که علم تشریح برای مصوری و رسامی مفید است همچنان علم منطق برای تحصیل قوای استنباط (جهت مربوط و مربوطه و ساختن چوکات کار) مدد و معاون بوده خدمت خوبی را ایفا می نماید چنانچه یکی از کارهای بزرگ آن اینست که انسان را در اساس های مسائل مهم داخل ساخته از حقائق یواشیده و رموزات پیچیده آن آگاه می سازد بشرطیکه حرکت افکار را ز راه صحیح و مواد غذایی آن بطور کافی قوی و مناسب جان باشد.

همین کیفیت در علم ها و سایر طبیعت موجودات است! چنانچه این علم برای تحصیل دو مقصد مفید دیده میشود: یکی برای دانستن حدود قوای فکری که باین وسیله میتوانیم وهم خیال لافس را از خود بر طرف ساخته مطابق به استعداد قوای فکری در زمینه مطلوب راه برویم، به اثر این حرکت در عالم تفکر، میتوانیم که موجودات را بدیگر

نوع خوبتر قیاس بکنیم و در حقائق مستور آن خود را آشنا سازیم. بعضی قیاس می‌نمایند که دانستن حدود قوای فکر نتیجه مثبتی را (بطوری که فوقاً تذکر شد) ابراز داد نمی‌تواند. این قیاس تا بیک اندازه درست بنظر می‌آید زیرا مستقیماً نتیجه مذکور را بمنصه ظهور آورده نمی‌تواند. البته این حدود عبارت از مواد قوای فکریست که ذریعه آن قضاوت مسئله مطلوبه در محکمه دماغ کرده می‌شود. بعد بمقتضای (خدا صفا دع ما کدر) نتایج نیک استنباط کرده خواهد شد.

دیگر فایده که بطور مثبت ازین علم متصور است اینست که ما را بآن اساسات بزرگیکه تمام علوم بر آن‌ها استقرار دارد آشنایی سازد چه این علم مانند علم منطقی یک علم سطحی و ابتدائی نیست که تا بیک حد معین انسان را به مفا دمضمرة مسائل قرین گرداند بلکه یک علم اصلی و اساسیست که مانند روح که جسد را تحت اداره و کنترل میگیرد محسوسات را در انضباط خود داشته‌تیم حادثات را بلباس مستقل و اصلی شان می‌آراید، یا بعبارت دیگر:

این علم مثل علم نباتات، علم طبیعیات، طبقات الارض، نجوم، کیمیا، تشریح و غیره مستقل یک علم جداگانه نیست که در اطراف موضوع معین بحث کند و بس؛ بلکه مرکب بود بر همه علوم طوری حاوی و دارای کنترل عمومی و صاحب قوا و اصلیت تام میباشد علوم سائره ازین منشعب یعنی جامع علوم میباشد.

از اینجاست که علمای فاضل گفته‌اند: چون تمام موجودات مظهر قدرت خداوند است، پس علم موجودات بنام علم ماورای طبیعت موسومست میتوان گفت که نظریه علویت خود یک علم فکری اساسی و بانظمی است، آری فکر و ذکای محدود انسانی این علم را به مشکل درک کرده میتواند. بهمین واسطه ارسطو طالیس حکیم گفته است: (همسری با علم الهیات مشکل است)

واقعاً اراده ازلی بسا ختمان دنیا و ما فیها و اسبابش را معقول قرار داده حکما و متفکرین بزرگ را به این امر و ادار ساختن که به اطراف آن غور و دقت نمایند تا مصداق

(برک در خنمان سبزد نظر هوشیار - هر ورقش دفتر بست معرفت کرد کار)
 ازان مستفید کردند. اینست که هر کدام از حکما سا اهادر کم و کیف دنیا و ما فیها
 مشغول گردیده مرا حل و راطی نموده و بالاخر به جز خود قائل شدند ولی بالنتیجه
 قرار به این دادند که فکر کردن و غرق گردیدن در بحر عمیق کائنات لازم
 و مازوم انسانها میباشد هر ذی فکر به عقب آن گردد خصوص درینوقت
 که دنیای جدید مسائل اختراعات و کشفیات محیر العقول خود را بعالم و عالیمان
 بصورت روز افزون نشان میدهد و هر یک بسبقت بردن ازان جدو جهد مینماید.
 این علمها و رای طبیعت بعد از طی مراحل تعلیم عالی مکتب ولی پس از تجارب
 صحیح توسط اشخاص لائق کسب شده میتواند.

یوسته بشماره (۷)

تمدان چگونه کسب میشود؟

بنام محترم محمدرسول خان متعلم اعدادیه حسیه

اینک مقصد اینجاست که بک فرزندشراز قدم نهادن در حیاط مدرسه و راههای تربیه
 از احاطه نزول باین دنیای پر شور و ناموفقیه که بنکام و تردد قادر میشود 'لمحات واقعیه
 بین این در مرحله عمر خود را در بین عالمه میگذارد و هم همین حالت و موقعی است
 که طفل هر چه مشاهده میکند و بشنود در مغز و ضمیرش چون آتش در سنگ جای میکند.
 این نکته نیز مبرهن است که مهد پرورش طفل آغوش مادر و عملیات او است
 زیرا عموماً ظاهر است ' محبت مادری نمیپذیرد که جگر یاره او دقیقه از کنارش غیبت
 داشته باشد. درین حال حصه بزرگ و مهم حیات طفل در زیر نظر ما در و به امتداد
 اعمال او صرف میشود. ولی سخن اینجاست که آیا بنام این مادرها خصو صاً در یک